



دنيا دار مفر است، نه مقرّ/ اخلاص از عطايای ویژه الهی است

آیت الله جوادی آملی در یکی از جلسات دروس اخلاق خود می گوید: صفت ویژه مخلصین این است که به فکر خانه خود هستند. ما مسافر هستیم و مسافر در مسافرخانه غریب است. این دنیا مسافرخانه است، نه خانه و دار ما.

آیت الله جوادی آملی در یکی از جلسات دروس اخلاق خود می گوید: صفت ویژه مخلصین این است که به فکر خانه خود هستند. ما مسافر هستیم و مسافر در مسافرخانه غریب است. این دنیا مسافرخانه است، نه خانه و دار ما.

به گزارش خبرگزاری مهر، توجه و ارتقاء فضائل اخلاقی و دوری از زناظر اخلاقی در مسیر سیر الی الله از دغدغه های همیشگی افراد با ایمان بوده و هست تا در پرتو آن بتوانند قله های معنویات و در نتیجه قرب به خداوند را کسب نمایند. این مهم بلاشک با توصیه ها و رهنمودهای اساتید و بزرگانی همچون استاد اخلاق حوزه علمیه و مرجع عالی قدر جهان تشیع علامه جوادی آملی دست یافتنی خواهد بود.

وی در سلسله جلسات درس اخلاق خود پیوسته تشنه کمان این راه را با تمسک به آیات کتاب الهی و روایات حضرات معصومین (ع) سیراب می نمایند. وی یکی از مهمترین عطایای الهی نسبت به بندگان خود را اخلاص معرفی کرده و اظهار داشت: اخلاص از عطایای ویژه الهی است. وقتی خدای سبحان به یک کشور و به یک ملتی توفیق خلوص عطا کرده است، آن را حفظ می کند. کارهایی هست که خدای سبحان آنها را به خود اسناد می دهد، اگر کار را مستقیماً به خود اسناد داد، قهراً این کار از گزند بیگانه مصون است.

آیت الله جوادی آملی اظهار داشت: خداوند درباره عده ای می فرماید: **إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ** چنانکه درباره ابراهیم و اسحاق و یعقوب فرمود: ما اینها را مخلص قرار دادیم؛ بخشی که مربوط به کارهای آنها بود، با توفیق، خود آنها جزء مخلصین بودند؛ اما آن قله؟ خلوص، برای مخلص است که احدی نسبت به اینها طمع نمی کند، نه شیاطین انس و نه شیاطین جن؛ زیرا هم شیاطین انس و هم شیاطین جن، تحت اغوای ابلیس هستند که ابلیس اظهار عجز کرد و گفت، من به حرم امن مخلصین راه ندارم، نه اینکه نسبت به آنها ارادت داشته باشم بلکه نمی توانم آنها را فریب دهم؛ زیرا آنها چیزهایی را می خواهند که من بدلی آن را نمی توانم، جعل کنم، من یک سلسله ابزاری دارم که اینها روی این پا گذاشتند، من چطور اینها را جذب کنم؟ اینکه اظهار عجز کرد، گفت: **إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ** ابزار من مشخص است؛ **لَأْمَيَّتَهُمْ، لَأُضِلَّتَهُمْ، لَأُعْوِيَتَهُمْ** و **لَأَمُرَّتَهُمْ** هست، اینها کارهای من است اما آنها همه این کارها را زیر پای خود گذاشتند، روی قله ای هستند که اینها به آن دسترسی ندارند، چیزهایی را می طلبند که من نمی توانم، بدلی آن را جعل کنم؛ لذا توان اغوای «مخلصین» را ندارم.

این حکیم متأله در پاسخ به این مطلب که چگونه برخی به این مقام رفیع نائل می گردند، گفت: ذات اقدس الهی یک عده را به عنوان مخلص معرفی کرده و فرمود: **وَ ادَّكَرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدَى وَ الْأَبْصَارِ. إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ** چرا شما اینها را مخلص کردی؟ سؤال: **لَمْ أَخْلَصْتَهُمْ**. جواب: **بِخَالِصَةٍ**. سؤال: «ما تلك الخالصة؟» جواب: **ذِكْرَى الدَّارِ**. این چند جمله، چند سؤال و جواب را در درون خود نهاده است، از خدا سؤال کنید، چرا ابراهیم و اسحاق و یعقوب را برگزیدی؟

وی افزود: فرمود: اینها یک صفت ویژه ای دارند که دیگران ندارند. سؤال؛ آن صفت ویژه چیست؟ جواب: اینها به فکر خانه خود هستند و همین کسی که مقصدی دارد، خانه ای دارد، باید به فکر خانه باشد؛ ما که مسافر هستیم و مسافر در مسافرخانه غریب است. این دنیا مسافرخانه است، نه خانه و دار ما؛ لذا اینجا دار مفر است، نه مقرّ. فرمود: هر کسی بالأخره خانه ای دارد، خانه؟ انسان جایی است که انسان رفت، آنجا وطن می گزیند و متوطن می شود، آرام می شود که به آن «دارالقرار» می گویند و آن قیامت است و بهشت. فرمود: اینکه من ابراهیم و اسحاق و یعقوب (ع) را برگزیدم، برای اینکه اینها به فکر خانه خود هستند. **إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ** چرا؟ **بِخَالِصَةٍ**، ما تلك الخالصة؟ **ذِكْرَى الدَّارِ**. اینها به فکر خانه خود هستند، دار آنها کجاست؟ بهشت است، اینها به فکر آنجا هستند و چیزی مانع آنها نیست، راهزن و اینها نیست؛ اینها برکت خلوص است.